

Curriculum policy in order to improve media literacy

Gholam Ali Ahmadi
Sadollah Kazemi

Abstract:

The aim of this study was to develop a curriculum policy to improve media literacy. The method of this study was qualitative synthesis research. The required data was collected by searching library resources, dissertations, and articles in databases. Keywords for curriculum, policy, and media literacy were used separately and in combination to search internal and external databases. Among the domestic researches conducted between ۲۰۱۲ and ۲۰۲۰ and foreign researches between ۲۰۱۲ and ۲۰۲۰, ۲۵۰ published research cases were identified and among them, at least, ۲۰ research cases were selected for review and analysis. The results showed that the common components in all articles in relation to the curriculum policy in order to improve media literacy in the educational system include the components of professional competence of educators, information technology, support, which in most articles It is mentioned

Keywords: Curriculum Policy, Media Literacy, Educational System

خط مشی گذاری برنامه درسی در راستای بهبود سواد رسانه ای

غلامعلی احمدی^۱

سعداله کاظمی^۲

صص ۱۵ - ۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۷

چکیده

هدف این پژوهش خط مشی گذاری برنامه درسی در راستای بهبود سواد رسانه ای بود. روش این مطالعه سنتز پژوهی، کیفی بود. داده‌های مورد نیاز از طریق جستجو در منابع کتابخانه‌ای، پایان نامه‌ها و مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی جمع‌آوری شد. به منظور جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی از واژگان کلیدی برنامه درسی، خط مشی گذاری و سواد رسانه ای به صورت جداگانه و ترکیبی استفاده شد. از میان پژوهش‌های صورت گرفته داخلی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ و پژوهش‌های خارجی در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ تعداد ۲۵۰ مورد پژوهش منتشر شده شناسایی و از میان آنها ۲۰ مورد پژوهش جهت بررسی و تحلیل انتخاب شد. نتایج نشان داد مؤلفه‌های مشترک در تمام مقالات در ارتباط با خط مشی گذاری برنامه درسی در راستای بهبود سواد رسانه ای در نظام آموزشی شامل مولفه‌های صلاحیت حرفه‌ای مربیان، فناوری اطلاعات، حمایت، می‌باشد که در اکثر مقالات بدان اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: خط مشی گذاری برنامه درسی، سواد رسانه ای، نظام آموزشی

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

^۲ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

مقدمه

دنیای رسانه‌ها، جهانی بی‌همتا در تاریخ انسانهاست، جهانی پویا و غیر ایستایی، رسانه مسیری را طی می‌کند که شاید قرن‌ها انسانها آن را طی کرده‌اند و پیوسته آنها را بوجود آورده‌اند لکن جهان رسانه‌ای او را تجمعی و تراکمی به انسانها عرضه کرده است. او پرشتاب و با سرعتی همانند نور در حرکت است هر روز دیواری از دیوارهای زندگی ارتباطات را می‌شکافت، ارزشها تازه و نو می‌آفریند، دیروز از امروز، امروز را از فردا و فرداهای دیگر بکلی متمایز و جدا می‌کند (هو، ۳، ۲۰۱۸).

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که روند تغییر و تحولات مبتنی بر همگرایی تکنولوژیک و رسانه نمود یک انقلاب آموزشی را درآموزش و پرورش بسیاری از کشورهای پیشرفته نمایان ساخته است. بگونه‌ای که نقش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی ضمن تبدیل شدن به پیش‌نیازی ضروری برای بهره‌برداری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و دسترسی عادلانه به اطلاعات و دانش، بویژه در توانمندسازی افراد، حیاتی و اساسی دیده شود. این روند تحول در فناوریها همچنین اکثر نظام‌های آموزشی کشورها را با این سوال مهم مواجه ساخته است که چگونه می‌توانند فناوری‌های نوین را با فرآیند یادگیری و تدریس به صورت یکپارچه در بیاورند، تا به کمیّت و کیفیت آن کمک کند (گنزالس و همکاران، ۴، ۲۰۱۸).

امروزه، در اغلب کشورهای دنیا از جمله انگلستان، استرالیا، فنلاند، دانمارک، سوئد، فرانسه، آلمان، هلند، روسیه، کانادا، امریکا، آفریقای جنوبی، مالزی و ژاپن، برنامه‌درسی آموزش سواد رسانه‌ای در پایه‌های مختلف تحصیلی به صورت جدی دنبال می‌شود، همچنین این مهم در قالب برنامه‌درسی مورد توجه بسیاری از نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و نهادهای مردمی فعال در حوزه آموزش سواد رسانه‌ای قرار گرفته است (هابز، ۴۸: ۲۰۰۴).

کشورهای ژاپن و کانادا به عنوان پیشرو در برنامه‌درسی سواد رسانه‌ای تلاش‌های ارزنده‌ای را در گنجاندن این مهم در داخل برنامه‌درسی در مدارس خود با رویکرد توسعه و تحول توانایی مدیریت اطلاعات، توسعه توانایی خواندن و درک انتقادی اطلاعات، به منظور به کارگیری رسانه و برقراری ارتباط با آن و افزایش خلاقیت فرد، طراحی و در راستای ارتقای مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دانش‌آموزان اجرا کرده و در حال اجرا هستند. همچنانکه در ژاپن سواد رسانه‌ای در حکم یک ماده درسی در میان مواد درسی دوره‌های تحصیلی راهنمایی تا مقطع دبلم به رسمیت شناخته شده و حتی برای بزرگسال‌ها و مقاطع تحصیلی بالاتر نیز تدریس می‌شود و کشور کانادا نیز به عنوان یکی از موفق‌ترین الگوهای آموزش سواد رسانه‌ای در جهان با تشکیل "انجمن آگاهی رسانه‌ای" انجمن‌های متعدد و فراوان آموزش سواد رسانه‌ای، اقدامات مؤثری در این زمینه انجام داده است (کاستا و همکاران، ۶، ۲۰۱۸).

البته با ظهور فناوری، تعریف سوادآموزی نیز متحول شده است. یونسکو در بیانیه رسمی خود به مناسبت "دهه سواد سازمان ملل متحد" (۲۰۱۲-۲۰۰۳) برداشت جدیدی از سواد را عنوان کرد: "باسواد به فردی گفته می‌شود که از سواد عاطفی، ارتباطی، پرورشی، رایانه‌ای، رسانه‌ای و مالی درکنار هم و با هم بهره‌مند باشد" از همین رو تأکید برتکثر و چندگانگی سواد که به ویژه در دو دهه اخیر موافقان زیادی داشته، نشان دهنده این حقیقت است که امروزه دیگر نمی‌توان سواد را جدا از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و نهادی در نظر گرفت (کیارسی و کیارسی، ۱۳۹۶: ۱۹).

۳- Hu

۴- Gonzalez, et al

۵- Hobbs

۶- Costa, et al

جیمز پاتر از صاحب نظران سواد رسانه‌ای اعتقاد دارد "سواد رسانه‌ای را می‌توان مخاطب مناسب برای تجزیه و تحلیل و تفسیر پیام‌ها و محتوای رسانه‌ای مختلف، همراه با بهره‌مندی از مهارت تفکر انتقادی دانست". پاتر در این تعریف بر تفاوت مهم بین دو مفهوم "در معرض قرار گرفتن" و "توجه کردن" تمرکز دارد (پاتر و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۲۳). هورتون نیز (۲۰۰۷) معتقد است "سواد رسانه‌ای را می‌توان در دسترس، قابل تجزیه و تحلیل و تولید کننده ارتباط در شکل‌های گوناگون رسانه و مصرف انتقادی محتوا دانست". در جمع بندی از تعاریف ارائه شده از سوی صاحب نظران و انجمن‌های مطالعاتی در این زمینه می‌توان به مخرج مشترک این تعاریف ارائه شده از هدف برنامه‌درسی آموزش سواد رسانه‌ای انجمن آموزش سواد رسانه‌ای در آمریکا اشاره داشت یعنی "کمک به دانش آموزان در پرورش روحیه‌ی پرسشگری و تقویت مهارت‌هایی نظیر بیان و اظهار عقیده که دانش آموزان برای تبدیل شدن به متفکرانی نقاد، ارتباط‌گرایی اثرگذار و شهروندانی پویا در دنیای نوین به آنها نیاز دارند." (هارت، ۲۰۱۸).

در کنار این مهم موضوع "برنامه‌درسی" نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است همچنانکه صاحب نظران تعاریف مختلفی از "برنامه‌درسی" ارائه داده اند، برخی برنامه‌درسی را مجموعه‌ای از وقایع آموزشی طراحی شده می‌دانند که برای تحقق نتایج آموزشی برای یک یا چند دانش آموز پیش بینی می‌شود (آیزنر، ۱۹۹۴: ۹۸، به نقل از اکلستون، ۲۰۱۸: ۹). دوئل (۱۹۹۷) معتقد است که برنامه‌درسی، عمل تدریس را شکل می‌دهد یا راهنمایی می‌کند و نمی‌تواند تحقق یابد، مگر این که از طریق اقدامات مربوط به تدریس انجام شود. تدریس همیشه درباره چیزی است بنابراین نمی‌تواند از برنامه‌درسی جدا باشد و اقدامات مربوط به تدریس، خودش بکار بستن مفروضات و محاصل برنامه‌های درسی است (هویت، ۲۰۰۶: ۲).

بنابراین با پذیرش این تعاریف برنامه‌درسی از دو جنبه قابل بحث است. یکی از جنبه نوع تلقی نسبت به ماهیت دانش برنامه‌درسی است که برخی از صاحب نظران این حوزه، برنامه‌درسی را به عنوان یک نقشه برای تجارب یادگیری قلمداد می‌کنند که یادگیرندگان با راهنمایی مدرسه با آن مواجه می‌شوند که هدف آن فراهم کردن زمینه برای نظم بخشیدن و هدایت تجارب یادگیری است. در این معنا برنامه‌درسی به عنوان نتیجه و پیامد برنامه‌ریزی این برداشت از برنامه درسی در قالب یک طرح یا سند معرفی می‌شود. برداشت دیگر، برنامه‌درسی به عنوان اجرای عمل حرفه‌ای به کمک برنامه‌درسی مدنظر است. با توجه به این دو جنبه برنامه‌درسی رسمی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای باید پرورش دهنده ابعاد مختلف جسمانی، روانی، عاطفی عقلانی اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان باشد (تن کیت و همکاران، ۱۱، ۲۰۱۵: ۹۹۰).

به هر روی برنامه‌درسی آموزش سواد رسانه‌ای دارای امتیازاتی برای مخاطبان بویژه در راهبردهای توانمندسازی دانش آموزان در کلاس درس دارد که به آنها مزیت‌هایی می‌بخشد تا بتوانند فرد مؤثری در جامعه رسانه‌ای خود باشند، و از این رو باید بتوانند: ۱. تفاوت بین اشکال مختلف رسانه را شناسایی و با آگاهی و شناخت کافی از انواع رسانه‌ها بهره مند شوند؛ ۲. استفاده کنندگانی متفکر در برخورد با رسانه‌ها باشند؛ ۳. مدیریت اطلاعات داشته باشند و براساس نیازهای اطلاعاتی به سراغ رسانه‌ها بروند، و تسلیم ابزارهای چند رسانه‌ای قدرتمند فرهنگ رسانه‌ای جهانی نشوند؛ ۴. درباره آنچه که می‌خوانند، می‌بینند و می‌شنوند سؤالات اساسی بپرسند و در نهایت ۵. برخورد منتقدانه با محتوای رسانه‌ها داشته باشند (شیخ زاده و خسروانیان، ۱۳۹۵). بنابراین در دنیای ارتباطی و به شدت رقابتی امروز، سواد رسانه‌ای یکی از نیازهای اصلی هر انسان بویژه دانش آموزان و جامعه است.

۷- potter

۸- Hart

۹- Eggleston

۱۰- Hewitt

۱۱- Ten cate, et al

البته ارتقای سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان نیازمند سیستم آموزشی منسجم است و به اعتقاد صاحب‌نظران بهترین زمان برای پایه‌گذاری مهارت‌های تفکری و آموزش سواد رسانه‌ای، دوران پیش از مدرسه و دبستان است؛ چراکه ذهن افراد کاملاً براساس قراردادهای اجتماعی بسته نشده و کودکان مخاطبان خاص رسانه هستند. چرا که تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان از محصولات رسانه‌ای به ساختار ناکامل شخصیت آن‌ها، میزان نوسان‌پذیری این ساختار، رفتار، نگرش، نحوه برقراری ارتباط و تعامل با خانواده، گروه همسالان، همکلاسی‌ها، نوع و جذابیت رسانه، زمان، مکان، دفعات مواجهه با محصولات رسانه‌ای، ساختار ظاهری و محتوایی این محصولات و عوامل بسیار دیگری وابسته است. عبارتی رسانه در جامعه پذیر کردن نوجوانان نقش بسزایی دارد. (دلاورو همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین برای رسیدن به این هدف ارتقای سواد رسانه‌ای کمک می‌کند که چگونه پیام‌های مورد نیاز خود را از میان حجم انبوه اطلاعات انتخاب کنند و در این میان دانش‌آموزان به عنوان شهروندان آتی که از سواد رسانه‌ای برای تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی خود استفاده می‌کنند، می‌توانند موفق‌تر عمل کنند. از این رو هر اندازه در جامعه‌ای، افراد قدرت تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و مفاهیم پنهان آن را داشته باشند، آن جامعه از توسعه انسانی بیشتری برخوردار خواهد بود.

این درحالیست که پژوهش پیرامون آموزش و فناوری‌های آموزشی نیز نشان داده است که الگوهای سنتی نقص‌هایی دارند و باید با توجه به ابعاد بر ساختی، مشارکتی، عاطفی و اجتماعی، فرایندهای آموزشی را مورد بازبینی و بازاندیشی قرار داد. بنابراین توسعه یافتگی یک کشور تا اندازه بسیار زیادی تحت تأثیر وجود دستاوردهای تکنولوژیکی و آموزش استفاده بهینه آن قرار دارد. و لذا داشتن ادبیاتی جامع و منسجم در زمینه توسعه و نحوه استفاده از آن با تکیه بر آموزش سواد رسانه‌ای از نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه مانند ایران است.

آلین تافلر از پیشگامان جهانی تغییر و تحول، در کتاب "جایایی قدرت" با اشاره به تحت تأثیر قرارگرفتن نهادهای آموزش و پرورش از رویکردهای جهانی، برهمسو بودن آن در روند تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی تاکید و نتیجه‌گیری می‌کند که در صورت همسو نشدن آموزش و پرورش با رویکردهای جهانی، آموزش‌های غیررسمی و فراملی جای آن را خواهند گرفت (تافلر، ۱۹۸۰: ۳۵۶). "میرز" نیز معتقد است در عصری که کتاب‌های درسی به سرعت کهنه می‌شوند و نوآوری دائماً تجربه می‌شود، اهداف نهایی و کلی تعلیم و تربیت هم ناگزیر باید تغییر کند. به عبارت دیگر روش‌های سنتی تدریس و یادگیری، که در آن فراگیران نقش منفعل دارند و بر پرکردن ذهن از اطلاعات- بقول پائولو فریره اندیشمند برزیلی "آموزش انباشتی" - تکیه می‌شود، دیگر جوابگوی نیازهای تربیتی نسل حاضر و آینده نخواهد بود. برای تربیت صحیح فراگیران ضمن اینکه نیازمند رویکرد آزادانه، خلاقانه، نقادانه و درگیر شدن علمی در مسایل است، باید به مهارت‌های تفکر، جهت تصمیم‌گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه، مجهز شوند (ور ۱۲، ۲۰۰۵: ۶۹).

از همین رو نهاد تعلیم و تربیت وظیفه دارد ضمن پاسخگویی به نیازهای جامعه و مطالبه اجتماعی، رسالت تربیتی خود را به درستی انجام دهد. یکی از این نیازها، برنامه‌دستی آموزش سواد رسانه‌ای است که در سال‌های اخیر آموزش و پرورش پس از تدوین "سند تحول بنیادین" و "سند برنامه درسی ملی" (۱۳۹۰) توجه خود را معطوف به آموزش سواد رسانه‌ای کرده است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز با مهم خواندن نقش تربیتی رسانه‌ها، از تعامل اثر بخش با مراکز فرهنگی و اجتماعی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها نام برده است. در این سند، جایگاه و نقش نهاد رسانه، فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه برای پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن موارد مورد توجه قرار گرفته است (سند تحول ۱۳۹۰: ۱۰). همچنانکه در اسناد مربوط به برنامه درسی هم، از سواد رسانه‌ای نام برده شده و به زمینه سازی برای مدیریت بهینه و ترویج و تعمیق سواد رسانه‌ای تاکید شده است. بعلاوه این سند به انطباق برنامه‌های درسی با نیازها و علایق

دانش‌آموزان، در چارچوب ساختار برنامه درسی در سه بخش الزامی، انتخابی و اختیاری تاکید دارد (سند تحول نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹: ۳۶). البته برنامه‌درسی سواد رسانه‌ای چه بصورت اجباری و چه در بخش تجویزی و اختیاری نیز پاسخی به نیازهای گوناگون و امکان‌یادگیری همیشگی با توجه به نقش رسانه‌هاست و تحلیل و ارزیابی رسانه‌ای می‌تواند در همین راستا، ارزیابی شود.

در راستای موضوع پژوهش حاضر، بیگلو و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی، به این نتیجه رسیده‌اند که تجزیه و تحلیل رسانه‌های اجتماعی می‌تواند در رسیدن به اهداف یادگیری چندزبانه و دید انتقادی، موثر باشد. در پژوهشی دیگر با عنوان "تاثیر سواد رسانه‌ای بر یادگیری کودکان از فیلم‌ها و رسانه‌ها" توسط دیگارتن و همکاران (۲۰۱۷) انجام شد به این نتیجه رسیدند که سواد رسانه‌ای پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی در یادگیری رسانه‌ها حتی در کنترل سایر عوامل مرتبط مانند هوش بوده است. جونس (۲۰۱۵) نیز در مطالعه‌ای با عنوان "چگونه آموزش سواد رسانه‌ای، آموزش و یادگیری را اصلاح می‌کند؟" به این نتیجه رسید که با توجه به پیشروی و روند آموزش سنتی به سمت برنامه‌درسی تکنولوژی محور، مربیان نیاز به روشها و منابع آموزشی و برنامه‌درسی نوین دارند تا پیامدهای کارآمد را ارائه دهد و با آموزش سواد رسانه‌ای، این جهش امکان پذیر می‌شود و به امری ضروری برای تهیه و تدوین برنامه درسی در کلاس درس جهانی تبدیل می‌شود. در پژوهشی که توسط سیری (۱۳۹۵) با عنوان "آموزش سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی" و با هدف بررسی و تبیین ابعاد گوناگون نقش سواد رسانه‌ای در توانمندسازی افراد درجهت اعتبار سنجی، تجزیه و تحلیل تبلیغات و پیامهای رسانه‌ای صورت گرفت نتایج پژوهش نشان داد که آموزش سواد رسانه‌ای چارچوب و روش آموزش جدیدی فراهم می‌کند که برای زندگی، کار و شهروندی در قرن ۲۱ لازم است و راه را برای کسب مهارتهای لازم برای یادگیری دراز مدت فراهم می‌کند. نیازی و همکاران (۱۳۹۵) هم در پژوهشی با عنوان "تاثیر آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فناوری بر میزان آگاهی دانش‌آموزان" نشان دادند که آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش میزان آگاهی دانش‌آموزان از سواد رسانه‌ای شده است و نتایج پژوهش نشانگر نقش مثبت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش سواد رسانه‌ای و افزایش آگاهی در ارتباط با مولفه‌های اساسی سواد رسانه‌ای بود.

از همین رو با توجه به چنین شرایطی، چگونه می‌توان زمینه‌های شناختی و انگیزشی را در دانش‌آموزان ایجاد کرد تا بصورت سایبرنتیکی نسبت به محتوا و عملکرد رسانه‌ها واکنش نشان دهند و در مواجهه با آنها رویکرد مخاطب فعال داشته باشند. بی‌تردید خروجی نظام‌های آموزش سنتی و الگوی نظام آموزش پرورش بویژه در کشورمان -آموزش انباشتی- با توجه به تحولاتی که در مقتضیات کنونی به مدد رسانه‌ها شکل گرفته، فاقد مطلوبیت آموزش و تربیت دانش‌آموزان با این مقتضیات است و دانش‌آموزان کمتر مجهز به مهارت‌های تفکر انتقادی در مواجهه با پیام‌های منفی رسانه‌ای و به تعبیری فاقد ظرفیت تحلیل و تفسیر درست از محتوای آنها هستند. بنابراین نهاد آموزش و تربیت دانش‌آموزان مجهز به مهارت‌های تفکر انتقادی بیش از هر چیز به اهمیت نهادی آموزش و پرورش در هر کشور بویژه همسو بودن آن با تغییر و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی ارتباط دارد. بنابراین بهره‌گیری از رسانه‌ها در راستای آموزش و یادگیری جذاب در تجارب کشورهای مختلف به منظور پرورش دانش‌آموزانی منتقد، تاثیرگذاری و نفوذ رسانه و به عبارتی حاکمیت اشباع رسانه‌ای در جهان منجر به اتخاذ رویارویی آگاهانه و هوشمندانه از سوی نهاد آموزش و پرورش با مقوله سواد رسانه‌ای است و بهره‌گیری از برنامه درسی سواد رسانه‌ای در نظام آموزش و پرورش در قالب رویکرد نهضت نرم‌افزاری امری اجتناب‌ناپذیر است. و نهاد آموزش و پرورش باید ضمن پرورش علمی دانش‌آموزان با

برنامه‌ریزی دقیق برنامه‌درسی آموزش سواد رسانه‌ای کودکان را مورد توجه قرار دهد تا شناخت عمیقی از آنچه در فضای مجازی می‌گذرد پیدا نموده و قدرت تجزیه و تحلیل همراه با دید انتقادی به دست آورند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش: این پژوهش با روش سنتز پژوهشی کیفی انجام شده است. به منظور بررسی پیشینه پژوهش و جمع‌آوری داده‌های متناسب با هدف پژوهش از منابع موجود در کتابخانه، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی و مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شد. به همین منظور در بین پایگاه‌های اطلاعاتی، Scopus, springer Irandoc, Science Direct, PubMed, Magiran, ERIC, ProQuest, به جستجو پرداخته شده است.

کلیدواژگان مورد استفاده برای جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی شامل برنامه‌درسی، خط‌مشی‌گذاری و سواد رسانه‌ای بود. جستجو در منابع مختلف و جمع‌آوری داده‌ها، در نهایت از میان ۲۵۰ مورد پژوهش، تعداد ۷۰ پژوهش داخلی (در سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ و پژوهش خارجی (در سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰، شناسایی و در نهایت از میان آنها تعداد ۲۰ پژوهش که دارای بیش‌ترین هماهنگی و تناسب با هدف این پژوهش (خط‌مشی‌گذاری برنامه‌درسی در راستای بهبود سواد رسانه‌ای) داشت، جهت بررسی و تحلیل انتخاب شد. معیار ورود پژوهش‌های انجام شده به این مطالعه متناسب بودن عنوان پژوهش‌ها با اهداف پژوهش حاضر، قرار گرفتن پژوهش در بازه زمانی مورد نظر و زبان پژوهش مورد نظر (فارسی و انگلیسی) بود.

همچنین تکراری بودن عنوان پژوهش‌های صورت گرفته به عنوان معیار خروج لحاظ شد. پس از گردآوری داده‌ها، یافته‌ها و نتایج پژوهش‌ها به تفکیک استخراج و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

نتایج

در نهایت ۳۰ مورد پژوهش شامل ۱۰ پژوهش داخلی و ۱۰ پژوهش خارجی به منظور تحلیل اثربخشی یادگیری الکترونیکی در آموزش علوم پزشکی به مطالعه حاضر وارد شد. در جدول ۱ مشخصات پژوهش‌های بررسی شده در قالب نام پژوهشگر، سال انجام پژوهش، عنوان پژوهش، نوع و روش مطالعه و نتایج پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. پژوهش‌های یافت شده در روند سنتز پژوهی

ردیف	پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	نوع مطالعه	نتایج
۱	صادقی و یعقوبی	۱۳۹۸	چالش‌های ارزیابی آموزش سواد رسانه‌ای	کتابخانه ای. مروری	نتایج نشان داد عدم خط‌مشی‌گذاری درست برای آموزش سواد رسانه‌ای یکی از چالش‌های اساسی است. همچنین نتایج بیانگر،

				عدم وجود شایستگی حرفه ای معلمان برای ارائه محتوای درس بودند.
۲	شریفی و کرمی	۱۳۹۷	بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور	کیفی
				نتایج نشان می‌دهد این ابعاد شامل: (۱) روش‌های آموزش، (۲) سطوح آموزش، (۳) تفکیک رسانه‌ها، (۴) تعیین جامعه هدف، (۵) محتوای آموزش، می‌شوند. در این پژوهش جامعه هدف، معلمان و مربیان سازمان آموزش و پرورش هستند.
۳	حسینی و شبیری	۱۳۹۶	آموزش سواد رسانه‌ای در فضای مجازی (مقایسه وبسایت مدیا سمارتس کانادا و وبسایت سواد رسانه‌ای ایران)	تحلیل محتوا
				از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: در وبسایت کانادایی بیشتر مطالب دارای ویژگی‌های یک متن «آموزشی» هستند اما محتواهای سایت ایرانی در حد ارائه «اطلاعات عمومی» درباره سواد رسانه‌ای و تاکید بر ضرورت و اهمیت فراگیری آن محدود شده است. در دو وبسایت مورد بررسی، اطلاع‌رسانی و آموزش درباره سواد رسانه‌ای بیشتر بر محفوظ ماندن از «مخاطرات» و «پیامدهای منفی» رسانه‌ها تمرکز دارد تا توجه به بهره‌مندی از «مزایا» و «پیامدهای مثبت» رسانه‌ها. همچنین با توجه به تقسیم‌بندی توانمندی سواد رسانه‌ای به دو حوزه «دانش» و «مهارت» در هر دو وبسایت بیشتر به حوزه «دانش» توجه شده است و درنهایت، وبسایت کانادایی در تدوین مطالب آموزشی از نظریه‌های متخصصان سواد رسانه‌ای بهره گرفته بود؛ موضوعی که در مطالب وبسایت ایرانی کمتر دیده شد.
۴	نیازی و همکاران	۱۳۹۵	تاثیر آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فناوری بر میزان آگاهی دانش آموزان	توصیفی-همبستگی
				آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش میزان آگاهی دانش آموزان از سواد رسانه‌ای شده است و نتایج پژوهش نشانگر نقش مثبت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش سواد رسانه‌ای و افزایش آگاهی در ارتباط با مولفه‌های اساسی سواد رسانه‌ای بود.
۵	سیری	۱۳۹۵	آموزش سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی	کیفی
				پژوهش نشان داد که آموزش سواد رسانه‌ای چارچوب و روش آموزش جدیدی فراهم می‌کند که برای زندگی، کار و شهروندی

				در قرن ۲۱ لازم است و راه را برای کسب مهارتهای لازم برای یادگیری دراز مدت فراهم می کند
۶	اسکندری و تقی زاده	۱۳۹۵	سواد رسانه ای: برنامه درسی مغفول در آموزش عالی	پیمایشی
۷	خانیکی و همکاران	۱۳۹۵	تبیین الگوی آموزش سواد رسانه ای در نظام آموزش و پرورش	کیفی
۸	تقی زاده و اصغر کیا	۱۳۹۳	نیازسنجی برنامه آموزش سواد رسانه ای در مدارس	کتابخانه ای
۹	نصیری و همکاران	۱۳۹۱	اهمیت آموزش سواد رسانه ای در قرن بیست و یکم	مروری
۱۰	نصیری و عقیلی	۱۳۹۱	بررسی آموزش سواد رسانه ای در کشورهای کانادا و ژاپن	اسنادی- توصیفی

رسانه ای اولین بار از سوی وزارت پست و مخابرات این کشور مطرح شده و همین وزارت متولی این آموزش است؛ و به همین دلیل ژاپنی ها بیش از آن که بر سواد رسانه ای تاکید داشته باشند بر سواد اطلاعاتی تاکید دارند..					
نتایج نشان داده است که نوجوانان امریکایی سرعت فناوری اطلاعات را بیشتر از میزان آموزش سواد رسانه ای در قالب برنامه درسی می دانند.	توصیفی تحلیلی	دیدگاه نوجوانان امریکایی از همگامبودن رسانه با برنامه های آموزشی سواد رسانه ای	۲۰۲۰	اسکارر و همکاران ۱۶	۱۱
نتایج نشان داد که صلاحیت حرفه ای معلمان در ارتباط با رسانه های دیجیتال بر ارائه برنامه درسی سواد رسانه ای تاثیر دارد.	توصیفی - همبستگی	صلاحیت دیجیتال معلمان مدارس برای آموزش سواد رسانه ای	۲۰۲۰	ماهار	۱۲
نتایج نشان داد که یکی از سیاستهای آموزش و پرورش باید تربیت و آموزش معلمان و ارتقای صلاحیت ایشان باشد تا بتوانند برنامه های درسی آموزش سواد رسانه ای را ارائه دهند.	اسنادی	سواد رسانه برای معلم قرن بیست و یک	۲۰۱۹	سوئر تیگر و همکاران ۱۷	۱۳
به این نتیجه رسیده اند که تجزیه و تحلیل رسانه های اجتماعی می تواند در رسیدن به اهداف یادگیری چندزبانه و دید انتقادی، موثر باشد.	توصیفی - تحلیلی		۲۰۱۷	بیگلو و همکاران	۱۴
به این نتیجه رسیدند که سواد رسانه ای پیش بینی کننده قابل توجهی در یادگیری رسانه ها حتی در کنترل سایر عوامل مرتبط مانند هوش بوده است. همچنین عنوان کردند که برنامه درسی مرتبط با این آموزش باید فناوری اطلاعات را بطور کامل حمایت کند.	توصیفی - همبستگی	تاثیر سواد رسانه ای بر یادگیری کودکان از فیلم ها و رسانه ها	۲۰۱۷	دیگارتن و همکاران	۱۵
نتایج نشان داد که امروزه برای ارتقای برنامه درسی سواد رسانه ای، باید آنرا بر اساس قوانین بین المللی تدوین کرد تا تمام جوامع بطور یکسان از منافع این آموزش بهره ببرند.		برنامه درسی برای آموزش سواد رسانه ای	۲۰۱۶	فدورور و همکاران ۱۸	۱۶

۱- Scharrer, et al

۲- Sauerteig, et al

۳- Fedorov, et al

		بر اساس قوانین بین المللی			
۱۷	جولس	۲۰۱۵	چگونه آموزش سواد رسانه ای ، آموزش و یادگیری را اصلاح می کند؟	به این نتیجه رسید که با توجه به پیشروی و روند آموزش سنتی به سمت برنامه درسی تکنولوژی محور، مربیان نیاز به روشها و منابع آموزشی و برنامه درسی نوین دارند تا پیامدهای کارآمد را ارائه دهد و با آموزش سواد رسانه ای ، این جهش امکان پذیر می شود و به امری ضروری برای تهیه و تدوین برنامه درسی در کلاس درس جهانی تبدیل می شود	
۱۸	جولز و ویلسون ۱۹	۲۰۱۴	بنیانهای سواد رسانه ای دیروز، امروز و فردا	نتایج نشان داد که سواد رسانه ای در گذشته تنها در سیاستهای دولت بود و به کارکنان ارائه می شد اما. امروز در برنامه درسی دانش آموزان گنجانده می شود.	
۱۹	بروان ۲۰	۲۰۱۳	رسانه و آموزش مهارت انتقادی: آموزش سواد رسانه ای در کشورهای اروپایی	نتایج نشان داد که در کشورهای بزرگ اروپایی، آموزش سواد رسانه ای بر پایه فناوریهای نوین، آموزش مربیان و حمایت استوار است.	کیفی
۲۰	تولودزیک و گرافه ۲۱	۲۰۱۲	رویکردهای برای یادگیری رسانه: برنامه درسی سواد رسانه ای در آلمان	نتایج نشان داد که برنامه درسی آموزش سواد رسانه در آلمان بر اساس سیاستهای بین المللی دولت و فناوری اطلاعات و ارتباطات پیش می رود.	

مؤلفه‌های عنوان شده خط مشی‌گذاری برنامه‌درسی در راستای بهبود سواد رسانه‌ای در ایران و کشورهای دیگر کدامند؟ مؤلفه‌های خط مشی‌گذاری برنامه‌درسی در راستای بهبود سواد رسانه‌ای با توجه به مرور مقالات ذکر شده، مؤلفه‌هایی که در تمام مقالات بطور اشتراکی مورد توجه قرار گرفته‌اند در جدول زیر عنوان شده است:

۱- Jolls & Wilson

۲- Brown

۳- Tulodziecki & Grafe

جدول ۲- مولفه‌های مستخرجه شناسایی شده بعد از استفاده از پیشینه پژوهشها

تعداد شاخص	نام عامل	شماره عامل	
۹	صلاحیت حرفه ای	۱	خط مشی گذاری برنامه درسی در راستای بهبود سواد رسانه ای
۹	فناوری اطلاعات	۲	
۱۱	حمایت سازمانی	۳	

بحث و نتیجه‌گیری

بدون تردید در عصر جامعه اطلاعاتی، تلاقی دوپدیده مهم "رسانه" و "تکنولوژی" روش‌های یادگیری را درباره جهان پیرامون و رویدادهای آن به چالش کشیده است. همگرایی "رسانه" و "تکنولوژی" در قالب تعامل گرایی فناوری اطلاعات به مثابه یک رویکرد نوین، علاوه بر نقش مکمل برای نظام آموزشی، به بهبود کیفیت تدریس، تنوع بخشیدن به شیوه‌های تدریس، آموزش مستمر و برخط، کوتاه کردن زمان آموزش و دوره تحصیل، توجه به استعداد های فردی و.... منجر شده است. در این میان آموزش نیز، فارغ از نگاه سنتی به معنای کسب دانش، به معنای فراگیری مهارت‌های لازم برای عضویت در جامعه، تولید دانش، رشد و تحول در قوای شناختی، معنا و مفهومی متفاوت از رویکرد سنتی پیدا کرده است. از ضرورت‌های عصر جهانی شدن، نیاز به آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم و تعلیم و تربیتی است که فراگیران را برای رویارویی با چالش‌های زندگی در حال تغییر و غیر قابل پیش بینی آماده سازد، یکی از مهمترین چالشهای عصر جهانی شدن در سطح کلان، نفوذ پذیری مرزها و انتشار بیحد و مرز پیامهای رسانه‌ای در جوامع است و در سطح خرد نیز دیگر دیوارهای منازل چارچوب انحصاری و شخصی شهروندان محسوب نمیشوند بلکه فضایی برای نفوذ امواج رسانه‌ای هستند. در شرایط فوق، چگونه می‌توان زمینه‌های شناختی و انگیزشی لازم را در شهروندان ایجاد کرد تا به صورت خود انگیزخته نسبت به محتوا و عملکرد رسانه‌ها واکنش نشان دهند و در مواجهه خود با رسانه‌ها و محتوای آن از راه تحلیل و تعمق، معنا بخشند.

در پژوهش حاضر به منظور شناخت بیشتر موضوع در زمینه خط مشی گذاری برنامه درسی سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور و کشورهای توسعه یافته، از روش سنتز پژوهی استفاده شد و مقاله‌های مرتبط داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت مولفه‌هایی که در اکثر مقالات مشترک بودند، مورد شناسایی قرار گرفتند. مولفه‌های شناسایی شده که در اکثر پژوهشها بطور مشترک بیان شده است، بر اساس یافته‌های پژوهش شامل مولفه‌های صلاحیت حرفه ای، فناوری اطلاعات و حمایت سازمانی بودند. آنچه مسلم است ارتقای صلاحیت حرفه‌ای معلمان در تمام زمینه‌های آموزشی و بهبود مهارت‌های ایشان در ارتقای سطح یادگیری در مدارس ابتدایی بسیار تاثیرگذار است. از طرف دیگر، در جهانی به سر می‌بریم که داشتن سواد رسانه‌ای برای هر شهروند بسیار ضروری است و تشخیص اخبار درست از نادرست کاری بس دشوار است. به همین دلیل معلمان وظیفه خطیری بر عهده دارند. ایشان باید بر اساس خط مشی های گذاشته شده در آموزش و همچنین، مهارت‌های خود، به کمک سیستم آموزشی بیایند و آنرا ارتقا دهند. برای این کار باید از مقاطع ابتدایی شروع تحصیل آغاز کرد و ضمن خط مشی گذاری درست، اهداف کوتاه مدتی برای رسیدن به ارزشها تنظیم نمود. علاوه بر نقش معلم و حضور وی در عرصه یادگیری و یاددهی، باید خاطر نشان کرد که دنیای امروز، دنیای فناوری است و بدون آن نمی‌توان به سواد رسانه‌ای دست یافت. باید تجهیزات مدارس به روز باشد و دانش‌آموزان بتوانند از حداقل امکانات

فناورانه برخوردار باشند و معلمان براحتی به این زیر ساختها دسترسی داشته باشند. برقراری تمام این مولفه‌ها منوط به حمایت است. در صورتیکه حمایت سازمانی وجود نداشته باشد، نمی‌توان امیدوار بود که مدارس و برنامه‌درسی به سطح یاددهی سواد رسانه‌ای می‌رسند. بطور کلی، موفقیت برنامه‌های خط مشی‌گذاری در برنامه‌درسی سواد رسانه‌ای در گرو توجه به تمام ابعاد آموزشی است.

References

- Bigelow, M., Vanek, J., King, K., & Abdi, N. (۲۰۱۷). Literacy as social (media) practice: Refugee youth and native language literacy at school. *International Journal of Intercultural Relations*, ۶۰, ۱۸۳-۱۹۷.
- Costa, C., Tyner, K., Henriques, S., & Sousa, C. (۲۰۱۸). Game Creation in Youth Media and Information Literacy Education. *International Journal of Game-Based Learning (IJGBL)*, ۸(۲), ۱-۱۳.
- Delavar, Ali; Khaniki, Hadi and Shah Hosseini, Vahida. (۲۰۱۴). A case study of the implementation of the media literacy lesson plan for fourth graders. *Society, Culture and Media*, No. ۴.
- Diergarten, A. K., Möckel, T., Nieding, G., & Ohler, P. (۲۰۱۷). The impact of media literacy on children's learning from films and hypermedia. *Journal of Applied Developmental Psychology*, ۴۸, ۳۳-۴۱.
- Eggleston, J. (Ed.). (۲۰۱۸). *School-based curriculum development in Britain: A collection of case studies*. Routledge.
- Eskandari, Hossein and Taghizadeh, Abbas. (۲۰۱۵). Media Literacy: A Neglected Curriculum in Higher Education. *Curriculum Technology*, ۱(۱), ۱-۱۷.
- Fedorov, A., Levitskaya, A., & Camarero, E. (۲۰۱۶). Curricula for media literacy education according to international experts. *European Journal of Contemporary Education*, ۱۷(۳), ۳۲۴-۳۳۴.
- Gonzalez, C. M., Garba, R. J., Liguori, A., Marantz, P. R., McKee, M. D., & Lypson, M. L. (۲۰۱۸). How to make or break implicit bias instruction: Implications for curriculum development. *Academic Medicine*, ۹۳(۱ S), S۷۴-S۸۱.
- Hart, A. (۲۰۱۸). Textual pleasures and moral dilemmas: Teaching media literacy in England. In *Media Literacy Around the World* (pp. ۱۹۹-۲۱۱). Routledge.
- Hobbs, R. (۲۰۰۴). A Review of School-based Initiative in. *Media Literacy Education*. American Behavioral Scientist.
- Hosseini, Alireza and Shabiri, Hasnia Sadat. (۲۰۱۶). Teaching media literacy in virtual space (comparison of Canada's MediaSmarts website and Iran's media literacy website). *New media studies*. ۹, ۷۶-۳۱.
- Hu, A. (۲۰۱۸, April). Research on the Reform Way of Graphic Design Teaching Mode Based on Multi-media Technology. In ۲۰۱۸ ۴th International Conference on Education Technology, Management and Humanities Science (ETMHS ۲۰۱۸). Atlantis Press.
- Jolls, T. (۲۰۱۵). The New Curricula: How Media Literacy Education Transforms Teaching and Learning. *Journal of Media Literacy Education*, ۷(۱), ۶۵-۷۱.
- Khaniki, Hadi, Shah Hosseini, Vahida and Nourirad, Fatemeh. (۲۰۱۵). *Media*, ۱۰۲, ۵-۲۲.
- Kiarsi, Somia; Kiarsi, Azadeh. (۲۰۱۶). Analyzing the position of critical media literacy in Iran's education system. *Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, second volume, eleventh issue, pp. ۱۷-۳۷.
- Maher, D. (۲۰۲۰). Pre-Service Teachers' Digital Competencies to Support School Students' Digital Literacies. In *Handbook of Research on Literacy and Digital Technology Integration in Teacher Education* (pp. ۲۹-۴۶). IGI Global.

Nasiri, Bahare and Aghili, Seyyed Vahid. (۲۰۱۷). Investigating media literacy education in Canada and Japan, Educational Innovations, ۴۱, ۱۲۷-۱۶۲

Nasiri, Bahareh, Bakshi, Bahareh and Hashemi, Seyyed Mahmoud. (۲۰۱۱). The importance of teaching media literacy in the ۲۱st century. Media Studies ۱۸, ۱۵۸-۱۴۹

Niazi, Leila, Zarei Zavaraki, Ismail, Aliabadi, Khadijah (۲۰۱۵) "Effect of Media Literacy Education Program Based on Information and Communication Technology on Students' Awareness" New Media Studies Quarterly, Year ۲, Number ۷, Fall ۲۰۱۶

Potter, J., Alves, J., Furfaro, T., Vermeij, A., Jourden, N., Merani, D., ... & Berni, A. (۲۰۱۴, September). Software defined open architecture modem development at CMRE. In ۲۰۱۴ Underwater Communications and Networking (UComms) (pp. ۱-۴). IEEE.

Sadeghi, Javad and Yaqoubi Azizi, Morteza. (۲۰۱۸). Challenges of evaluating media literacy education. Media Management, ۴۶, ۸۲-۵۹

Sauerteig, D. L., Cervera Gutierrez, M. F., Toven-Lindsey, B., & Dahl, I. H. (۲۰۱۹). Media Literacy for the ۲۱st Century Teacher. The International Encyclopedia of Media Literacy, ۱-۱۱.

Scharrer, E., Warren, S., Olson, C., & Israsena Twishime, P. (۲۰۲۰). Early adolescents' views of media ratings in the context of a media literacy program in the US. Journal of Children and Media, ۱-۱۶.

Sharifi, Seyyed Mehdi and Karmi, Sajjad. (۲۰۱۷). Investigating the dimensions of media and information literacy education in the official and public education system of the country. Religion and Communication, ۴۵, ۱۱۱-۱۴۰

Sheikhzadeh, Alireza, Khosravanian, Sajjad (۲۰۱۶) Criticism of the position of media literacy in the basic and advanced education system, the first conference on media literacy and social responsibility, November ۲۰۱۵

Siri, Simin (۲۰۱۵) Teaching media literacy in the educational system, the first national conference on planning and transformation of the educational system, November (۲۰۱۵)

Taghizadeh, Abbas and Asgharkia, Ali. (۲۰۱۳). Needs assessment of media literacy training program in schools. Culture Studies, ۱۵(۲۶), ۱۰۴-۸۰

ten Cate, O., Chen, H. C., Hoff, R. G., Peters, H., Bok, H., & van der Schaaf, M. (۲۰۱۵). Curriculum development for the workplace using entrustable professional activities (EPAs): AMEE guide no. ۹۹. Medical teacher, ۳۷(۱۱), ۹۸۳-۱۰۰۲.

Tulodziecki, G., & Grafe, S. (۲۰۱۲). Approaches to learning with media and media literacy education—trends and current situation in Germany. Journal of Media Literacy Education, ۴(۱), ۵.